

Effectiveness of Early Childhood Care and Education on Intelligence of Children 2 to 24 Months, and their Mother's Affective Capital and Parenting Stress

Fahimeh Abdoli (PhD)¹ , Mohsen Golparvar (PhD)^{2,*} , Asghar Aghaei (PhD)³

¹ Ph.D. Student in Educational Psychology, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

² Associate Professor, Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

³ Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran

* **Corresponding Author:** Mohsen Golparvar; Department of Psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: drmgolparvar@gmail.com

Abstract

Received: 21/08/2021

Accepted: 17/11/2021

How to Cite this Article:

Abdoli F, Golparvar M, Aghaei A. Effectiveness of Early Childhood Care and Education on Intelligence of Children 2 to 24 Months, and their Mother's Affective Capital and Parenting Stress. *Pajouhan Scientific Journal*. 2021; 19(4): 33-42. DOI: 10.61186/psj.19.4.33

Background and Objectives: Early childhood care and education has recently attracted much attention for promoting optimal development of children. The present study was administered to evaluate the effectiveness of early childhood care and education on the intelligence of children 2 to 24 months and their mother's affective capital and parenting stress.

Materials and Methods: A total of 25 participants (50 mothers and children) were selected through purposive sampling for each of the groups of 2 to 12 and 13 to 24 months. The Cattell Infant Intelligence Scale, Affective Capital Questionnaire, and Parenting Stress Questionnaire were used to assess independent variables. Each group of mothers and children received early care and education for 6 weeks. Data were analyzed using a paired samples t-test.

Results: The results indicated that early childhood care and education significantly improved the intelligence of children 2 to 12 and 13 to 24 months by 1.20 and 1.59, and their mothers' affective capital by 25.52 and 12.47, respectively ($P < 0.01$). The observations also suggested that early childhood care and education reduced the parenting stress among mothers of children aged 2 to 24 months by 103.20 and 37.47, respectively ($P < 0.01$).

Conclusions: It is recommended to pay more attention to early childhood care and education in families and kindergartens due to its effectiveness in improving the intelligence of children 2 to 24 months, as well as increasing the affective capital and reducing the stress of parenting in mothers.

Keywords: Affective Capital; Children; Early Childhood Intervention; Intelligence; Parenting Stress

اثربخشی بسته مراقبت و آموزش زودهنگام کودکی بر هوش کودکان ۲ تا ۲۴ ماهه و سرمایه عاطفی و استرس والدگری مادران آنها

فهیمة عبدلی^۱، محسن گل‌پرور^{۲*}، اصغر آقای^۳

^۱ دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۲ دانشیار، دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۳ استاد، گروه روان‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

* نویسنده مسئول: محسن گل‌پرور، گروه روان‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. ایمیل: drmgolparvar@gmail.com

چکیده

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

سابقه و هدف: در سال‌های اخیر مراقبت و آموزش زودهنگام در راستای تحول مطلوب کودکان توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. این پژوهش با هدف اثربخشی مراقبت و آموزش زودهنگام کودکی بر هوش کودکان ۲ تا ۲۴ ماهه و سرمایه عاطفی و استرس والدگری مادران اجرا شد.

مواد و روش‌ها: نمونه پژوهش شامل ۲۵ مادر و کودک برای هر یک از دو گروه سنی ۲ تا ۱۲ ماه و ۱۳ تا ۲۴ ماه (در مجموع برای هر دو گروه ۵۰ مادر و کودک) بودند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. از پرسش‌نامه هوش کودکان کتل، پرسش‌نامه سرمایه عاطفی و استرس والدگری برای سنجش متغیرهای وابسته استفاده شد. هر گروه از مادران و کودکان طی ۶ هفته تحت آموزش و مراقبت زودهنگام برای کودکان قرار گرفتند. داده‌ها از طریق آزمون تی گروه‌های همبسته تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد آموزش و مراقبت زودهنگام کودکی موجب ارتقای معنادار هوش کودکان ۲ تا ۱۲ ماه و ۱۳ تا ۲۴ ماه به ترتیب به اندازه ۱/۲۰ و ۱/۵۹ و سرمایه عاطفی مادران آنها به ترتیب به اندازه ۲۵/۵۲ و ۱۲/۴۷ شده است ($P < ۰/۰۱$). همچنین نتایج نشان داد آموزش و مراقبت زودهنگام کودکی موجب کاهش استرس والدگری مادران کودکان ۲ تا ۲۴ ماهه به ترتیب به اندازه ۱۰۳/۲۰ و ۳۷/۴۷ شده است ($P < ۰/۰۱$).

نتیجه‌گیری: با توجه به اثربخشی آموزش و مراقبت زودهنگام کودکی در ارتقای وضعیت هوش کودکان ۲ تا ۲۴ ماهه و افزایش سرمایه عاطفی در کنار کاهش استرس والدگری مادران آنها، توجه به این نوع مراقبت و آموزش زودهنگام کودکان به خانواده‌ها و مهدکودک‌ها پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: استرس والدگری؛ سرمایه عاطفی؛ کودکان؛ مداخله زودهنگام؛ هوش

مقدمه

خانواده، بالاجس والدین و از بین والدین نیز به واسطه تعامل بسیار زیاد و نزدیک مادر با کودک در سال‌های اولیه تحول، سلامت روان مادر است [۳، ۴]. از میان متغیرهای مختلف برای کودکان ۲ تا ۲۴ ماهه، به دلیل اینکه این دوره، دوره پایه بسیاری از تحولات در مراحل بعدی است، هوش کودکان و شاخص‌های مرتبط با بهزیستی مختلف از جمله سرمایه عاطفی و استرس والدگری مادران آنها مهم است.

هوش در دوره‌های سنی مختلف از منظرهای مختلفی نظیر رویکرد شناختی، رویکرد چندوجهی، رویکرد عصب روان‌شناختی و رویکرد روان‌سنجی مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. از

اگرچه برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های تحول بهینه کودکان و نوزادان از دیرباز موضوعی جذاب و انگیزه‌بخش در سطح مجامع علمی و آکادمیکی دنیا بوده، این برنامه‌ها طی سال‌های اخیر ماهیت متنوع و رو به رشدی داشته است [۱، ۲]. محوری‌ترین مباحث مورد تأکید در برنامه‌های تحول بهینه نوین در قالب مؤسسه‌محور (نظیر برنامه‌های قابل اجرا در مهدکودک‌ها و مدارس ابتدایی) و خانواده‌محور، از یک طرف ارتقای ظرفیت‌های جسمی، شناختی، اجتماعی و هیجانی کودکان و نوزادان، اعم از کودکان عادی یا کودکان دارای ناتوانی در حوزه‌های مختلف جسمی و روانی و از طرف دیگر ارتقای سلامت روان اعضای

ارتباط پیدا می‌کند [۱۵]. اگر استرس والدگری به‌خوبی مدیریت و کنترل نشود، علاوه بر اینکه مادر را در موقعیت تهدید از دست‌دادن سلامت روان و افت بهزیستی قرار می‌دهد و از این طریق ایفای نقش‌های سازنده و کارآمد والدینی و خانوادگی را در مادر با اختلال جدی مواجه می‌کند، سلامت و بهزیستی کودکان را تا چند سال بعد به شکل منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد [۱۷، ۱۶]. به واسطه همین موضوع، در کنار تلاش برای طراحی و ارائه آموزش‌های لازم برای ارتقای هوشی کودکان، مجهز کردن مادران به فنون و مهارت‌های تعامل کارآمد و سازنده با کودک در متن برنامه‌های آموزشی مختلف، به هدف غیرمستقیمی نظیر ارتقای سرمایه عاطفی و تضعیف استرس والدگری نیز جامه عمل می‌پوشاند. یکی از برنامه‌های آموزشی استفاده‌شده در این حوزه، برنامه‌های آموزش و مراقبت زود هنگام است.

برنامه آموزش و مراقبت زود هنگام بر اساس سیر تحول تاریخی خود، هرگونه برنامه آموزشی مؤسسه‌محور (اجرای برنامه آموزشی از طریق مربیان کارآموزده در مؤسسات آموزشی) یا خانه‌محور (اجرای برنامه آموزشی در خانه از طریق مادر یا مراقبان دیگر کودک) را می‌گویند که هدف آن تسهیل و ارتقای ظرفیت‌های فیزیکی و حرکتی، شناختی، هیجانی و اجتماعی در راستای حصول اطمینان از وجود شرایط لازم و کافی برای تحول مناسب و مطلوب کودکان است [۱۹، ۱۸]. این برنامه‌ها با بیش از نیم قرن تاریخچه و شواهد، در مراحل اولیه تاریخی خود برای خانواده‌های محروم از امکانات و فرصت‌های کافی طراحی شد و امروزه در کنار تمرکز ویژه بر خانواده‌های نیازمند یاری برای تحول بهینه فرزندان خود، به گستره وسیع تمامی کودکان در تمامی سطوح جوامع مختلف گسترش یافته است [۲۰]. اثربخشی این برنامه‌ها تاکنون در مطالعات بسیاری بررسی شده است.

در حوزه هوش و ظرفیت‌های شناختی، Melhuish و همکاران [۲۱] در مطالعه نظام‌مند و گسترده‌ای که تاکنون مشابه آن انجام نشده است، در حوزه اثربخشی مداخله و مراقبت زود هنگام کودکی در کودکان ۰ تا ۳ سال به این نتیجه رسیدند که تأثیرات برنامه‌های مراقبت و آموزش زود هنگام کودکی در حوزه ظرفیت‌های شناختی و هوش، گاه مثبت، گاه منفی و گاه بدون تأثیر است. در نهایت با وجود اشاره اولیه به مواردی از تأثیرات منفی برنامه‌های آموزش و مراقبت زود هنگام کودکی، این نتیجه‌گیری مطرح شد که چنانچه برنامه‌های این نوع آموزش و مراقبت‌های زود هنگام کودکی با کیفیت، دقیق و منظم اجرا و ارائه شود، بدون تردید بر رشد شناختی و به تبع آن هوش به‌عنوان یک ظرفیت و توانایی شناختی عمده تأثیرات معناداری دارد [۲۲].

در جدیدترین فراتحلیل انجام‌شده، Edmond و همکاران [۱۸] نشان دادند علاوه بر به صرفه بودن اجرای آموزش و مراقبت زود هنگام کودکی از نظر اقتصادی، این برنامه‌ها در صورت اجرای

میان رویکردهای ذکر شده، رویکرد روان‌سنجی به هوش با قدمتی بیش از یک قرن، این پدیده را مجموعه توانایی‌ها و ظرفیت‌های کلامی و غیرکلامی قابل سنجش و اندازه‌گیری از طریق آزمون‌های هوش تلقی می‌کند [۵]. اگرچه نه به‌طور مطلق، ولی تا حد قابل توجهی این رویکرد تاکنون کمک شایان توجهی به بسط و گسترش دانش علمی و کاربردی در حوزه هوش در سنین مختلف از جمله کودکان داشته است [۶]. در تعریف پذیرفته‌شده، هوش در کودکان و در سنین دیگر توانایی کلی و جامع ظرفیت تفکر منطقی، فعالیت هدفمند و سازگاری با محیط در نظر گرفته شده است. به عبارتی دیگر، نمودهای هوشی در کودکان مانند بزرگسالان مرکب از عناصر یا اجزایی است که به‌طور کامل مستقل از هم نیستند و نشانه هوشمندی کودک این است که می‌تواند نمودهایی را در سطح رفتار و تعامل با مراقبان و محیط از اندیشه شبه‌منطقی، اعمال هدفمند و نشانه‌هایی از توانایی سازگاری با شرایط محیط را بروز دهد [۸، ۷].

علاوه بر عنصر هوش در کودکان، طیف مطالعات قابل توجهی نیز بر شاخص‌های مختلف سلامت و بهزیستی روان‌شناختی مادران تمرکز داشته‌اند. منطق اصلی این تفکر این است که در صورت وجود سلامت روان و بهزیستی بیشتر مادران، نحوه تعامل و به تبع درگیر شدن آن‌ها در فرایند تحول همه‌جانبه کودک بسیار آسان‌تر می‌شود و از این طریق بستر برای ارتقای هرچه مطلوب‌تر توانایی‌ها و ظرفیت‌های کودک فراهم می‌شود [۹، ۱۰]. سرمایه عاطفی متشکل از حداقل سه مؤلفه عاطفه مثبت، احساس انرژی و شادمانی به‌عنوان یک سازه سرمایه‌ای غیراقتصادی مثبت‌گرا، ارتباط تنگاتنگی با بهزیستی و سلامتی دارد [۱۱]. از نظر تعریف، احساس نیرو و انرژی مثبت درونی که قابلیت تبدیل به ظرفیت‌های شناختی، رفتاری و هیجانی مثبت را دارد و از طریق فعالیت‌های هدفمند معطوف به خود، خانواده و دیگر فعالیت‌های انسانی مثبت و اجتماعی قابلیت تأثیرگذاری و پویایی خود را بازیابی می‌کند، سرمایه عاطفی نامیده می‌شود [۱۲]. نکته بسیار مهم این است که وقتی افراد حس جوشش و پویایی درونی عاطفی را در قالب سرمایه عاطفی تجربه می‌کنند، تلاش و کوشش هدفمند اولین پیامد بلاواسطه چنین وضعیتی است و به دنبال آن احساس خوشایند پر نیرو و انرژی بودن اتفاق می‌افتد [۱۳].

در کنار سرمایه عاطفی، والدین بنا به جایگاه و موقعیت حساس خود در زندگی و در تعامل با فرزندان، اهداف بلاواسطه و آسیب‌پذیری در برابر استرس و بالاخص استرس والدگری هستند. استرس والدگری احساس فشار فیزیکی و روان‌شناختی است که والدین در ایفای نقش‌های خانوادگی، والدینی و نقش‌های معطوف به زندگی تجربه می‌کنند [۱۴]. طبیعی است با اضافه شدن فرزند به خانواده، بخش قابل توجهی از استرس والدینی، بالاخص برای مادر به فرزند و مسائل حال و آینده او

زمستان ۱۳۹۹ بودند که از طریق فراخوان وارد فرایند پژوهش شدند. از این میان ۲۵ مادر دارای کودک ۲ تا ۱۲ ماهه و ۲۵ مادر دارای کودک ۱۳ تا ۲۴ ماهه (در مجموع ۵۰ مادر و کودک) که به شرکت در پژوهش تمایل داشتند، پس از مصاحبه اولیه و بررسی ملاک‌های ورود برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. لازم به ذکر است که از گروه ۱۳ تا ۲۴ ماه ۸ مادر و کودک در فرایند اجرا از مطالعه خارج، لذا تعداد این گروه به ۱۷ نفر تقلیل یافت.

ت فکیک این دو گروه از یکدیگر بر اساس توصیه‌های موجود در سطح مطالعات مشابه بین‌المللی، به دلیل تفاوت‌های محتوایی در برخی آموزش‌های استفاده‌شده در این دو دوره سنی بوده است [۲۲، ۱۸]. مجموعه معیارهای ورود به مطالعه شامل داشتن فرزند ۰ تا ۲ سال، قراردادن کودکان تحت درمان‌های موزی پزشکی، تمایل و رضایت مادران برای مشارکت در پژوهش از ابتدا تا انتها و عدم ابتلای مادر به آسیب‌های روانی به دلیل تداخل در اجرای برنامه آموزش و مراقبت با کیفیت مناسب بود. معیارهای خروج نیز شامل ابتلای کودک در حین آموزش به بیماری، ابتلای مادر در حین آموزش به مشکلات و بیماری و انجام‌ندادن آموزش‌ها دو تا سه هفته متوالی بود.

برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های زیر استفاده شد:

مقیاس هوش کودکان کتل (*Cattell Infant Intelligence Scale*)

برای سنجش هوش کودکان ۰ تا ۲ سال از پرسش‌نامه هوش کودکان کتل استفاده شد که در دانشگاه هاروارد تهیه شده است و برای اولین بار در ایران عبدلی [۲۴] آن را ترجمه و آماده اجرا کرد. سنجش هوش از طریق این آزمون بر تحول و رشد هوشی شناختی و نه جسمی و به دلیل ماهیت تصویری آن وابسته به فرهنگ نیست. این مقیاس هوش از طریق سنجش کنش و واکنش‌های کودک به موقعیت‌های مختلف همراه با ابزار و تجهیزات خاص استفاده‌شده در این آزمون، هوش کودک را می‌سنجد. کل پرسش‌نامه شامل ۹۵ سؤال است که برای سنجش هوش کودکان از ۲ تا ۳۶ ماهگی است. از ۲ ماهگی، ۵ سؤال برای هر ماه (۵۵ سؤال برای سال اول)، از ۱۳ ماهگی تا ۲۴ ماهگی برای هر دو ماه یکبار ۵ سؤال (۳۰ سؤال برای سال دوم) و برای سال سوم برای هر ۶ ماه ۵ سؤال (۱۰ سؤال برای سال سوم) وجود دارد. در کنار هر ۵ سؤال برای هر دوره اشاره‌شده، در بیشتر موارد ۲ تا ۳ سؤال اضافی نیز در این آزمون مطرح شده است.

سنجش هوش از طریق این آزمون مانند سنجش از طریق هوش‌آزمای استنفورد-بینه است. به این ترتیب که برای دستیابی به سطح هوش شناختی واقعی کودک از سؤالات یک ماه کمتر از سن واقعی کودک شروع می‌شود و معمولاً تا دو ماه بیشتر ادامه می‌یابد. توقف اجرای آزمون زمانی است که کودک دیگر به پنج سؤال یک سن معین نتواند پاسخ دهد. مقیاس پاسخگویی به

دقیق و کنترل‌شده، قادر به ارتقای ظرفیت‌های هوشی و شناختی کودکان ۰ تا ۲۳ ماهه هستند. در کنار شواهد در حوزه اثربخشی نسبی برنامه‌های مراقبت و آموزش زود هنگام کودکی بر ارتقای هوش کودکان، نمونه شواهدی نیز در مطالعاتی نظیر فراتحلیل Girabent-Farrés و همکاران [۲۲] در خصوص اثربخشی مداخله‌های زود هنگام کودکی بر افزایش تجارب عاطفی و هیجانی مثبت مادران در کنار کاهش استرس والدگری انجام شد. در مطالعه بهرامی [۲۳] در خصوص رابطه بین شادمانی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه عاطفی با ایفای مثبت و مؤثر نقش‌های والدینی، شواهدی ارائه شده است. جست‌وجوهای مکرر مطالعه‌ای کاملاً مرتبط با پژوهش حاضر را در ایران در دسترس قرار نداد.

در مجموع، مبانی نظری و پژوهشی مرور شده به‌طور محسوس و واضح نبود مطالعه کاربردی جامع و علمی را در حوزه تأثیرات برنامه‌های آموزش و مراقبت زود هنگام کودکی بر هوش کودکان ۲ تا ۲۴ ماهه و سرمایه عاطفی و استرس والدگری مادران آن‌ها به‌عنوان محوری‌ترین والد در تحول و رشد سال‌های اولیه در کودکان ایران را نشان می‌دهد. پر واضح است که تلاش‌های اندیشمندان و پژوهشگران گذشته در ایران غیرقابل چشم‌پوشی است. با این حال در یکی دو دهه اخیر، خلأ دانش علمی برآمده از تحقیقات در خصوص تعیین اثربخشی بسته‌های آموزشی و پرورشی جامع، روزآمد و مبتنی بر شرایط اجتماعی و فرهنگی خانواده‌های ایرانی در میان پژوهش‌های انجام‌شده محسوس است. بسیاری از برنامه‌های تعلیم و تربیت یا آموزش و مراقبت دوران کودکی بر بهداشت و سلامت جسمی تمرکز داشته‌اند و از نظر تأثیرات و محتوا به‌طور جامع، روزآمد و مبتنی بر شرایط اجتماعی و فرهنگی خانواده‌های ایرانی بررسی دقیق علمی نشده است یا حداقل در این خصوص تاکنون نتایجی در دسترس نیست. بر همین اساس و با توجه به خلأ جدی در خصوص بسط و گسترش برنامه‌های مراقبت و آموزش زود هنگام جامع کودکی در ایران، در این پژوهش سؤال اساسی که ارائه پاسخ برای آن انگیزه اصلی برای اجرای پژوهش حاضر بوده، این است که آیا بسته آموزش و مراقبت زود هنگام کودکی (ECCE) بر هوش کودکان ۲ تا ۲۴ ماهه همراه با سرمایه عاطفی و استرس والدگری مادران آن‌ها اثربخش است.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر روش یک پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح تک‌گروهی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون است. عدم استفاده از گروه کنترل به این دلیل بود که سال اول و دوم در کودکی از دوره‌های حساس است؛ لذا از نظر اخلاقی این امکان که کودکان در گروه کنترل در انتظار اتمام آموزش زود هنگام قرار گیرند، به دلیل سپری‌شدن دوره حساس رشدی وجود نداشت. جامعه آماری شامل تمام مادران و فرزندان ۲ تا ۲۴ ماهه آن‌ها در شهر اصفهان در

و متمرکز بر استرس والدگری در دو حوزه کودک و والدین همراه با عوامل استرس‌زای زندگی ساخته و ارائه شد. دادستان نسخه‌ای از این پرسش‌نامه را در ایران ترجمه و آماده اجرا کرده است [۲۴]. مقیاس پاسخگویی این پرسش‌نامه پنج درجه‌ای (از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵)، دامنه نوسان امتیاز در سطح استرس کلی والدگری ۱۲۰ تا ۶۰۰ و افزایش امتیازات به معنای افزایش سطح استرس والدگری است. در مطالعه اصلی روی مادران هنگ‌کنگی آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در شکل کلی ۰/۹۳ گزارش شد و به‌عنوان شواهدی از روایی همگرای این پرسش‌نامه بین امتیازات حاصل از این پرسش‌نامه با امتیازات حاصل از ابزارهای سنجش استرس دیگر همبستگی بین ۰/۳۸ تا ۰/۶۶ گزارش شده است [۲۴]. در مطالعه حاضر نمره کل این مقیاس برای تحلیل‌ها استفاده و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۵ به دست آمد.

پس از جمع‌آوری داده‌ها در مرحله پیش‌آزمون، دوره مراقبت و آموزش زود هنگام کودکی برای دو گروه آزمایش ۲ تا ۱۲ ماهه و ۱۳ تا ۲۴ ماهه طی ۱۲ هفته متوالی اجرا و پس از اتمام جلسات آموزشی پس‌آزمون اجرا شد. سنجش‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون به‌صورت حضوری در محل یک مهد کودک در شهر اصفهان با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در شرایط پاندمی کرونا انجام شد، ولی دوره آموزش ۶ هفته‌ای که شامل دو جلسه آموزش، نظارت و راهنمایی توسط مربی در هفته به مادران و تمام روزهای هفته توسط مادر در منزل بود، با توجه به شرایط کرونایی به‌صورت برخط (آنلاین) اجرا شد. اجرای آموزش به‌صورت برخط (آنلاین) توسط مربیان دارای حداقل تحصیلات لیسانس روان‌شناسی و علوم تربیتی و دارای اعتبارنامه رسمی از مراکز آموزشی و تربیتی تحت نظارت و وابسته به سازمان بهداشتی و تجربه حداقل ۵ تا ۱۰ سال در کار آموزش و مراقبت زود هنگام انجام شده است. عبدلی [۲۴] اعتبار (روایی) بسته‌های آموزشی ۱۲ هفته‌ای استفاده‌شده در مطالعه حاضر را در دو سطح روایی محتوایی تخصصی توسط ۵ متخصص بررسی و پس از کسب توافق ۰/۹۰ و بیشتر همراه با اجرای بسته‌ها به‌صورت پایلوت (مقدماتی) طی یک دوره قبل از آموزش اصلی بررسی و تأیید کرد. عناوین و شرح مختصر جلسات آموزش و مراقبت زود هنگام دوره کودکی در جدول ۱ ارائه شده است.

محتوای آموزش‌ها مطابق با موارد ارائه‌شده در جدول ۱ بوده، ولی طبعاً نوع تمرینات در دو گروه ۲ تا ۱۲ ماهه و ۱۳ تا ۲۴ ماهه متناسب با سن هر یک از این دو گروه با گروه دیگر متفاوت بوده است. داده‌های حاصل از اجرای پژوهش با توجه به ماهیت تک‌گروهی دو مرحله‌ای استفاده‌شده، از طریق ارائه میانگین و انحراف معیار در سطح توصیفی و از طریق آزمون تی گروه‌های وابسته (همبسته) در سطح استنباطی از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شد.

صورت بلی (امتیاز ۱) و خیر (امتیاز صفر) است. در سطح اهداف سنجشی با تقسیم امتیازات بر عدد ۵ سؤال و در مواردی که ۲ سؤال جایگزین هم استفاده می‌شود، امتیازات در دامنه ۰ تا ۱ و در سطح پژوهشی نیز با جمع امتیازات پنج سؤال و دو سؤال اضافی دامنه نوسان امتیازات از ۰ تا ۷ در نوسان است. افزایش امتیازات به معنای افزایش هوش کودک است [۲۴]. در این مطالعه چون هدف ارتقا یا عدم ارتقای هوش در اثر آموزش و مراقبت زود هنگام بوده است، از امتیازات ۷ سؤال (۵ سؤال اصلی و ۲ سؤال اضافی) استفاده شد. این آزمون هوش شواهد روایی و پایایی متقن بین‌المللی دارد. در سنجش سه ماهگی، پایایی با روش تنصیف برابر با ۰/۵۶، در سن ۶، ۹ و ۱۲ ماهگی ضریب پایایی برابر با ۰/۸۸، ۰/۸۶ و ۰/۸۹ و در سن ۱۸، ۲۴ و ۳۰ ماهگی ضرایب پایایی ۰/۹۰، ۰/۸۵ و ۰/۷۱ و اعتبار پیش‌بین مقیاس برای رفتارهای هوشمندانه کودکان در ۲۴ ماهگی و ۱۸ ماهگی قابل قبول بوده است [۲۷-۲۵].

در مطالعه حاضر به‌عنوان شواهدی از روایی همگرا بین امتیازات حاصل از هوش‌آزمای کودکان کتل با بهزیستی کودکان همبستگی مثبت و معنادار و با توجه به ماهیت پاسخگویی بلی و خیر این پرسش‌نامه، به‌جای ضریب آلفای کرونباخ، ضریب پایایی بازآزمایی با فاصله ۱۲ هفته با استفاده از ۲۵ کودک محاسبه و برابر با ۰/۷۱ ($P < 0/01$) و ضریب تنصیف ۰/۷ به‌دست آمد.

پرسش‌نامه سرمایه عاطفی (Affective Capital Questionnaire)

برای سنجش سرمایه عاطفی مادران از پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی گل‌پرور استفاده شد [۱۱] که سه عرصه عاطفه مثبت شبه‌حالت، احساس انرژی و شادمانی را پوشش می‌دهد و می‌سنجد. مقیاس پاسخگویی این پرسش‌نامه پنج درجه‌ای است (از هرگز=۱ تا همیشه=۵) و در سطح کل پرسش‌نامه دامنه امتیازات از ۲۰ تا ۱۰۰ در نوسان است. افزایش امتیازات به معنای افزایش سطح سرمایه عاطفی است. روایی سازه و همگرای این پرسش‌نامه از طریق تحلیل عامل اکتشافی با چرخش از نوع واریمکس و بررسی همبستگی سنجش امتیازات حاصل از این پرسش‌نامه با امتیازات حاصل از پرسش‌نامه‌های سرمایه معنوی، سرمایه اجتماعی و سرمایه روان‌شناختی و متغیرهای رفتاری مثبت در بیش از ۱۰ مطالعه بررسی و تأیید و آلفای کرونباخ از ۰/۹۳ تا ۰/۹۸ در نوسان گزارش شده است [۱۱]. آلفای کرونباخ پرسش‌نامه سرمایه عاطفی در مطالعه حاضر ۰/۸۶ به دست آمد.

پرسش‌نامه استرس والدگری (Parenting Stress Inventory)

برای سنجش استرس والدگری مادران از پرسش‌نامه استرس والدگری Abidin استفاده شد که در سال ۱۹۹۰ با ۱۲۰ سؤال

جدول ۱: خلاصه جلسات آموزش و مراقبت زودهنگام ۲ تا ۱۲ ماهگی و ۱۳ تا ۲۴ ماهگی

هفته	شرح اختصاری جلسه
اول	آموزش تسهیل رشد فیزیکی در دو بعد رشد حرکتی و بهزیستی فیزیکی؛ آموزش تسهیل رشد اجتماعی و هیجانی در دو بعد خود و روابط؛ آموزش تسهیل رشد شناختی و اطلاعات عمومی در چهار بعد شناختی، ریاضی، اجتماعی و علوم؛ آموزش تسهیل رشد زبان و سواد؛ آموزش تسهیل رشد مهارت‌های معطوف به یادگیری؛ فرایند آموزش تسهیل ابتکار عمل
دوم	آموزش تسهیل رشد فیزیکی در دو بعد رشد حرکتی و بهزیستی فیزیکی از طریق طیف حرکات معطوف به بالاتنه؛ آموزش تسهیل رشد اجتماعی و هیجانی در دو بعد خود و روابط؛ آموزش تسهیل رشد شناختی و اطلاعات عمومی در چهار بعد شناختی، ریاضی، اجتماعی و علوم؛ آموزش تسهیل رشد زبان و سواد؛ فرایند آموزش تسهیل رشد مهارت‌های معطوف به یادگیری؛ آموزش تمرینات برنامه‌ریزی
سوم	آموزش تسهیل رشد فیزیکی در دو بعد رشد حرکتی و بهزیستی فیزیکی از طریق حرکات پاها؛ حس تعادل و تحریک حسی؛ آموزش تسهیل آگاهی و بیان احساسات؛ آموزش درک فضا؛ فرایند آموزش تسهیل رشد گوش‌دادن و صحبت‌کردن؛ آموزش تسهیل رشد مهارت‌های معطوف به یادگیری نظیر تسهیل کنجکاوی
چهارم	آموزش تسهیل رشد فیزیکی مانند تقویت انگشتان، هماهنگی ظریف چشم و دست، تنظیم حواس، ردگیری شنوایی و بینایی؛ آموزش تسهیل رشد اجتماعی و هیجانی متمرکز بر تمرینات خودپنداره؛ آموزش تسهیل رشد شناختی و اطلاعات عمومی متمرکز بر تمرینات تقلید؛ آموزش تسهیل رشد زبان و سواد متمرکز بر تمرینات گوش‌دادن و صحبت‌کردن؛ آموزش تسهیل رشد مهارت‌های معطوف به یادگیری متمرکز بر تحریک به کنکاش محیط
پنجم	آموزش تسهیل حرکات دهانی، شکل‌دهی عادت؛ آموزش تسهیل رشد اجتماعی هیجانی در بعد خود متمرکز بر تن‌آرامی؛ آموزش تسهیل رشد شناختی و اطلاعات عمومی متمرکز بر مفهوم عدد، روابط و اعمال عددی؛ ادامه آموزش گوش‌دادن و صحبت‌کردن؛ ادامه آموزش تسهیل رشد مهارت‌های معطوف به یادگیری متمرکز بر تحریک به کنکاش محیط
ششم	آموزش تسهیل رشد فیزیکی متمرکز بر تحریکات چشمی و آموزش حسی-حرکتی اعضای بدن؛ آموزش تسهیل رشد اجتماعی و هیجانی متمرکز بر تمرینات خودتنظیمی و برنامه‌ریزی، آموزش ارتباط و تعامل؛ آموزش تسهیل رشد شناختی و اطلاعات عمومی متمرکز بر جبر و الگویابی؛ آموزش تسهیل رشد زبان و سواد متمرکز بر تقویت شنوایی؛ آموزش تسهیل رشد مهارت‌های معطوف به یادگیری متمرکز بر تسهیل پشتکار
هفتم	آموزش تسهیل رشد فیزیکی متمرکز بر تمرینات حسی-حرکتی و مهارت‌های جنبشی؛ آموزش تسهیل رشد اجتماعی و هیجانی متمرکز بر احساس شایستگی؛ فرایند آموزش تسهیل رشد شناختی و اطلاعات عمومی متمرکز بر هندسه و روابط خاص؛ آموزش تسهیل رشد زبان و سواد متمرکز بر گوش‌دادن و صحبت‌کردن؛ آموزش تسهیل رشد مهارت‌های معطوف به یادگیری متمرکز بر تسهیل پشتکار
هشتم	آموزش تسهیل رشد فیزیکی متمرکز بر تن‌آگاهی؛ آموزش تسهیل رشد اجتماعی و هیجانی متمرکز بر احساس شایستگی؛ آموزش تسهیل رشد شناختی و اطلاعات عمومی متمرکز بر شناخت خود به‌عنوان هویت اجتماعی؛ آموزش تسهیل رشد زبان و سواد متمرکز بر زبان دریافتی و درک مطلب؛ آموزش تسهیل رشد مهارت‌های معطوف به یادگیری متمرکز بر تسهیل پشتکار
نهم	آموزش تسهیل رشد فیزیکی متمرکز بر آگاهی در حوزه تغذیه و رشد؛ آموزش تسهیل رشد اجتماعی و هیجانی متمرکز بر تمرینات دل بستگی؛ آموزش تسهیل رشد شناختی و اطلاعات عمومی متمرکز بر رشد شناخت علوم؛ آموزش تسهیل رشد زبان و سواد متمرکز بر زبان بیانی؛ آموزش تسهیل رشد مهارت‌های معطوف به یادگیری متمرکز بر نوآوری و اختراع
دهم	آموزش تسهیل رشد فیزیکی متمرکز بر تمرینات خودداری؛ آموزش تسهیل رشد اجتماعی و هیجانی متمرکز بر تمرینات دل‌بستگی؛ آموزش تسهیل رشد شناختی و اطلاعات عمومی متمرکز بر زمین‌شناسی و فضا، کشف جهان طبیعی؛ آموزش تسهیل رشد زبان و سواد متمرکز بر ارتباط اجتماعی؛ آموزش تسهیل رشد مهارت‌های معطوف به یادگیری متمرکز بر تسهیل خلاقیت
یازدهم	آموزش تسهیل رشد فیزیکی متمرکز بر جهاز دفع کودک؛ آموزش تسهیل رشد اجتماعی و هیجانی متمرکز بر تعامل با بزرگسالان؛ آموزش تسهیل رشد شناختی و اطلاعات عمومی متمرکز بر جست‌وجوگری و اکتشاف؛ آموزش تسهیل رشد زبان و سواد متمرکز بر خواندن اولیه؛ فرایند آموزش تسهیل رشد مهارت‌های معطوف به یادگیری متمرکز بر واکنش مناسب و به‌هنگام
دوازدهم	آموزش تسهیل رشد فیزیکی متمرکز بر احساس خفگی، عفونت گوش، سوختگی، واکسن و مسمومیت؛ آموزش تسهیل رشد اجتماعی و هیجانی متمرکز بر تعامل با همسالان؛ آموزش تسهیل رشد شناختی و اطلاعات عمومی متمرکز بر جست‌وجوگری و اکتشاف؛ آموزش تسهیل رشد زبان و سواد متمرکز بر خواندن اولیه؛ آموزش تسهیل رشد مهارت‌های معطوف به یادگیری متمرکز بر حرکات جدید

یافته‌ها

نشان داد در مرحله پس‌آزمون تغییراتی نسبت به پیش‌آزمون رخ داده است (جدول ۳).

نتایج آزمون تی گروه‌های همبسته نشان داد در هوش کودکان (برای گروه ۲ تا ۱۲ ماه $P < 0.01$ ، $t = 6.44$)؛ برای گروه ۱۳ تا ۲۴ ماه $P < 0.01$ ، $t = 5.33$)، در سرمایه عاطفی مادران

جنسیت کودک، سن مادر، تحصیلات مادر، تعداد فرزندان و ترتیب تولد در دو گروه مطالعه، طیف متنوعی را دربر می‌گرفت (جدول ۲).

بررسی میانگین و انحراف معیار هوش کودکان ۲ تا ۱۲ ماه و ۱۳ تا ۲۴ ماه همراه با سرمایه عاطفی و استرس والدگری مادران آن‌ها

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد فراوانی گروه‌های پژوهش در متغیرهای جمعیت‌شناختی

ردیف	متغیر	گروه کودکان ۲ تا ۱۲ ماه		گروه کودکان ۱۳ تا ۲۴ ماه	
		فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت کودک					
۱	دختر	۱۰	۴۰	۱۰	۵۸/۸
۲	پسر	۱۵	۶۰	۷	۴۱/۲
۳	مجموع	۲۵	۱۰۰	۱۷	۱۰۰
سن مادر					
۱	تا ۳۰ سال	۱۸	۷۲	۱۰	۵۸/۸
۲	۳۱ سال و بیشتر	۷	۲۸	۷	۴۱/۲
۳	مجموع	۲۵	۱۰۰	۱۷	۱۰۰
تحصیلات مادر					
۱	دیپلم	۰	۰	۱	۶
۲	فوق‌دیپلم و لیسانس	۱۵	۶۰	۱۵	۸۸
۳	فوق‌لیسانس و دکتری	۱۰	۴۰	۱	۶
۴	مجموع	۲۵	۱۰۰	۱۷	۱۰۰
تعداد فرزندان					
۱	۱ فرزند	۱۸	۷۲	۱۱	۶۴/۷
۲	۲ فرزند	۶	۲۴	۶	۳۵/۳
۳	۳ فرزند و بیشتر	۱	۴	۰	۰
۴	مجموع	۲۵	۱۰۰	۱۷	۱۰۰
ترتیب تولد					
۱	اول	۴	۱۶	۳	۱۷/۶
۲	دوم	۱۸	۷۲	۱۴	۸۲/۴
۳	سوم	۳	۱۲	۰	۰
۴	مجموع	۲۵	۱۰۰	۱۷	۱۰۰

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار هوش کودکان در کنار سرمایه عاطفی و استرس والدگری مادران به تفکیک دو گروه پژوهش

متغیر و مرحله	گروه کودکان ۲ تا ۱۲ ماه		گروه کودکان ۱۳ تا ۲۴ ماه	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
هوش کودکان				
پیش‌آزمون	۴/۶۸	۱/۲۴	۴/۲۹	۰/۹۸
پس‌آزمون	۵/۸۰	۰/۹۲	۵/۸۸	۰/۹۳
سرمایه عاطفی مادران				
پیش‌آزمون	۴۷/۳۲	۸/۲۳	۵۳/۰۴	۷/۸۸
پس‌آزمون	۷۲/۸۴	۸/۹۷	۶۵/۵۳	۱۱/۴۹
استرس والدگری مادران				
پیش‌آزمون	۳۵۳/۸۰	۴۴/۷۸	۳۰۷/۳۵	۴۰/۳۱
پس‌آزمون	۲۵۰/۶۰	۲۸/۳۷	۲۶۹/۸۸	۵۱/۱۰

معناداری وجود دارد؛ به این معنی که آموزش و مراقبت زود هنگام کودکان ۲ تا ۲۴ ماهه موجب ارتقای معنادار هوش این کودکان و سرمایه عاطفی مادران و در مقابل موجب کاهش معنادار استرس والدگری مادران این کودکان شده است (جدول ۴).

(برای گروه ۲ تا ۱۲ ماه $t=12/58, P<0/01$ ؛ برای گروه ۱۳ تا ۲۴ ماه $t=3/32, P<0/01$)، و در استرس والدگری مادران (برای گروه ۲ تا ۱۲ ماه $t=9/28, P<0/01$ ؛ برای گروه ۱۳ تا ۲۴ ماه $t=2/87, P<0/01$) در مرحله پس‌آزمون نسبت به مرحله پیش‌آزمون تفاوت

جدول ۴: نتایج آزمون تی گروه‌های همبسته هوش کودکان، همراه با سرمایه عاطفی و استرس والدگری مادران به تفکیک دو گروه پژوهش

متغیر	تفاوت میانگین‌ها	انحراف معیار تفاوت	خطای میانگین تفاوت	مقدار t	معناداری
گروه کودکان ۱ سال					
هوش کودکان	-۱/۱۲۰	۰/۸۷	۰/۱۷	-۶/۴۴	۰/۰۰۱
سرمایه عاطفی مادران	-۲۵/۵۲	۱۰/۱۴	۲/۰۳	-۱۲/۵۸	۰/۰۰۱
استرس والدگری مادران	۱۰۳/۲۰	۵۵/۶۰	۱۱/۱۲	۹/۲۸	۰/۰۰۱
گروه کودکان ۲ سال					
هوش کودکان	-۱/۵۹	۱/۲۳	۰/۳۰	-۵/۳۳	۰/۰۰۱
سرمایه عاطفی مادران	-۱۲/۴۷	۱۵/۴۸	۳/۷۵	-۳/۳۲	۰/۰۰۴
استرس والدگری مادران	۳۷/۴۷	۵۲/۷۹	۱۳/۰۵	۲/۸۷	۰/۰۱

بحث

این پژوهش با هدف تعیین اثربخشی آموزش و مراقبت زود هنگام کودکی بر هوش کودکان و سرمایه عاطفی و استرس والدگری مادران آن‌ها اجرا شد. نتایج به دست آمده حاکی از اثربخشی برنامه ۶ هفته‌ای مراقبت و آموزش زود هنگام بر ارتقای هوش کودکان و سرمایه عاطفی مادران آن‌ها و اثربخشی این نوع آموزش بر تضعیف استرس والدگری مادران آن‌ها بود.

نتایج مطالعه در بخش اثربخشی مراقبت و آموزش زود هنگام بر هوش کودکان ۲ تا ۲۴ ماهه با نتایج مطالعه Melhuish و همکاران [۲۱] در خصوص اثربخشی برنامه‌های مراقبت و آموزش زود هنگام کودکی در حوزه ظرفیت‌های شناختی و هوش و با نتایج مطالعه فراتحلیلی Edmond و همکاران [۱۸] در خصوص اثربخشی آموزش و مراقبت زود هنگام کودکی در ارتقای ظرفیت‌های هوشی و شناختی کودکان ۰ تا ۲۳ ماهه همسواست. در زمینه چگونگی اثرگذاری آموزش و مراقبت زود هنگام بر ارتقای هوش کودکان ۲ تا ۲۴ ماهه، چند تبیین مطرح است. اولین تبیین به این واقعیت بازمی‌گردد که تمرین روزانه و پیوسته مادر با کودک، طیف گسترده‌ای از ظرفیت‌های بالقوه شناختی و سیستم حسی و حرکتی کودک را به‌طور جدی درگیر می‌کند. شواهد قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد درگیر کردن و استفاده هرچه بیشتر و منظم از ظرفیت‌های شناختی و حسی و حرکتی کودک در محیط‌های متنوع و پیچیده موجب ارتقای سطح هوشی کودکان در این محیط‌های غنی می‌شود [۵، ۶]؛ بنابراین، انجام آموزش و مراقبت شش هفته‌ای با ابتناء بر مطلوب‌ترین دستاوردهای علمی، در درجه نخست سطح تنوع و پیچیدگی را در محیط برای کودکان افزایش می‌دهد و از این طریق موجبات ارتقای هوش وابسته به عوامل محیطی را فراهم می‌کند. تبیین دوم که ارتباط تنگاتنگی با تبیین اول دارد، به رشد عصب زیست‌شناختی و ارتقای سطح کارکردهای عصبی در کودکان در اثر آموزش و مراقبت زود هنگام مربوط می‌شود. تحول هوشی در کودکان به‌طور جدی با رشد عصب زیست‌شناختی و تشکیل شبکه‌های پیچیده روابط درون مغز ارتباط تنگاتنگی دارد [۷، ۸]. متنوع و پیچیده کردن محیط از طریق آموزش و مراقبت زود هنگام، بدون تردید از این طریق نیز قادر به

افزایش سطح هوش کودکان ۲ تا ۲۴ ماهه است.

یافته بعدی به اثربخشی آموزش و مراقبت زود هنگام بر سرمایه عاطفی مادران در مطالعه حاضر مربوط است. به دلیل نوین بودن سازه سرمایه عاطفی جست‌وجوهای مکرر در پایگاه‌های اطلاعات علمی داخل و خارج مطالعه‌ای را در دسترس قرار نداد که از نظر موضوع و محتوا با پژوهش حاضر کاملاً مرتبط باشد. با این حال بهرامی [۲۳] در پژوهشی نشان داد شادمانی به‌عنوان یک مؤلفه از سرمایه عاطفی با ایفای نقش‌های والدینی مثبت و سازنده رابطه مثبت دارد. این یافته با توجه به تبیین‌هایی که در ادامه ارائه شده است، به‌نوعی با یافته‌های مطالعه حاضر به‌طور نسبی همسواست. از بعد نظری، سرمایه عاطفی هم از طریق اعمال هدفمند و امیدبخش تقویت می‌شود و ارتقا می‌یابد و هم در زمان پویایی و فعال بودن، بر نحوه کنش و واکنش انسان با محیط اطراف تأثیرات قابل توجهی در راستای تلاش و کوشش بیشتر را به بار می‌آورد [۱۱]. آموزش و مراقبت زود هنگام از فرزند که برای والدین عزیز و دوست‌داشتنی است، از هدفمندترین و امیدبخش‌ترین فعالیت‌های ممکن تلقی می‌شود [۴]. از همین منظر وقتی مادر با اجرا و پیگیری منظم برنامه‌ها و آموزش‌های مراقبت و آموزش زود هنگام، به‌آرامی رشد بهینه فرزند خود را مشاهده می‌کند، با اتکا به امیدواری و هدفمندی بیشتر برای دستیابی به نتایج مطلوب، افزایش سرمایه عاطفی را نیز تجربه می‌کند.

آخرین یافته در مطالعه حاضر نیز حاکی از اثربخشی آموزش و مراقبت ۶ هفته‌ای در کاهش استرس والدگری در مادران کودکان ۲ تا ۲۴ ماهه بود. این یافته با نتایج مطالعه فراتحلیلی Girabent-Farrés و همکاران [۲۲] در خصوص اثربخشی مداخله‌های زود هنگام کودکی بر کاهش استرس والدگری همسواست. تبیین این یافته با نقشی که آموزش و مراقبت زود هنگام در رفع برخی نگرانی‌های مادر نسبت به آینده کودک و در عین حال افزایش سطح تحمل مادر در برابر سختی‌ها در اثر ارتقای سرمایه عاطفی و امیدواری به کسب نتایج مثبت در آینده ارتباطی تنگاتنگ دارد. آموزش‌های منظم و دقیق زود هنگام در عرصه‌های شناختی، حرکتی، هیجانی و

در کنار کاهش استرس والدگری مادران آن‌ها تأیید کرد. با توجه به اینکه مطالعه حاضر از زمره اولین مطالعاتی است که در آن از طریق استفاده از یک بسته آموزشی جامع، زمینه ارائه شواهد مربوط به نحوه ارتقای هوش کودکان همراه با سرمایه عاطفی مادران و تضعیف استرس والدگری مادران مطرح شده، لازم است در مراکز مراقبتی و آموزشی نظیر مهد کودک‌ها و خانواده‌ها، از برنامه‌های مراقبت و آموزش زود هنگام برای مادران دارای کودک ۲ تا ۲۴ ماهه استفاده شود.

تشکر و قدردانی

مطالعه حاضر بخشی از رساله دکتری روان‌شناسی تربیتی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) است که از کمیته اخلاق در تحقیقات علمی دانشگاه کد اخلاق با شناسه IR.IAU.KHUISF.REC.1398.103 دارد. از این طریق مراتب سپاس و قدردانی خود را به تمامی مادران شرکت‌کننده در پژوهش تقدیم می‌کنیم که با مسئولیت‌شناسی و مشارکت خود موجب به بار نشستن نتایج پژوهش شدند.

تضاد منافع

هیچ‌گونه تضاد منافی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

ملاحظات اخلاقی

اصول اخلاقی پژوهش علمی از جمله رعایت رازداری، آزادی شرکت‌کنندگان برای انصراف از ادامه مشارکت در پژوهش و کسب رضایت کامل شرکت‌کنندگان برای شرکت در مطالعه در مراحل اجرای این مطالعه به‌طور دقیق مدنظر قرار گرفته است.

سهم نویسندگان

تمام نویسندگان در امور مربوط به مقاله و پیگیری آن نقش داشته‌اند.

حمایت مالی

این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین‌کننده مالی دولتی و غیردولتی دریافت نکرده است.

اجتماعی در برنامه ۶ هفته‌ای مطالعه حاضر، متشکل از اجرای فنون و تمریناتی تحت نظر مربی مجرب در راستای تعامل سازنده و هدفمند با کودک بوده است. شواهد ارائه‌شده در مطالعات گذشته حاکی از آن است که اجرای دقیق و منظم تمرینات و آموزش‌های زود هنگام، از یک طرف اثربخشی این برنامه‌ها را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر، تعامل سازنده مادر و کودک را تسهیل می‌کند [۲۱، ۲۲].

رفع نگرانی در مورد کودک به دلیل درگیر بودن در آموزش و مراقبت علمی و تعامل سازنده یکی از کلیدهای معمای اثربخشی آموزش و مراقبت زود هنگام بر استرس والدگری مادران است. وقتی تعامل مادر به شکل سازنده و منظم متکی بر نیازهای تحولی کودک باشد، نباید تردید داشت که استرس والدگری بالاخص استرس وابسته به کودک تقلیل می‌یابد. همچنین وقتی مادر شکوفایی تدریجی کودک خود را می‌بیند، با ارتقای سرمایه عاطفی خود توان مقابله با دیگر عرصه‌های استرس والدگری در او تقویت می‌شود و از این طریق استرس والدگری در دیگر عرصه‌ها (حوزه‌های خانوادگی و زندگی در سطح کلی) نیز کاهش می‌یابد. برآیند نهایی این موضوع، کاهش استرس والدگری مادران خواهد بود.

در تفسیر و تعمیم نتایج مطالعه حاضر لازم است به محدودیت‌های مطالعه شامل تمرکز بر آموزش و مراقبت کودکان ۲ تا ۲۴ ماهه و نه فراتر از این دوره سنی و استفاده از پرسش‌نامه مادر گزارش‌دهی اشاره کرد که ممکن است علاوه بر احتمال سوگیری مادران در گزارش وضعیت هوش کودکان خود همراه با سرمایه عاطفی و استرس والدگری مادران، چندان به‌طور عمیق قادر به سنجش متغیرهای اشاره‌شده نباشد. در راستای رفع محدودیت‌های ذکرشده، به پژوهشگران بعدی و علاقه‌مند پیشنهاد می‌شود اثربخشی بسته‌های مراقبت و آموزش زود هنگام را برای دوره‌های سنی بیشتر از ۲۴ ماه همراه با سنجش چندمنبعی نظیر استفاده از مراقبان یا مربیان کودک در کنار مادر را مورد توجه قرار دهند.

نتیجه‌گیری

در مجموع نتایج این مطالعه اثربخشی بسته آموزشی مراقبت و آموزش زود هنگام را در هر دو گروه کودکان ۲ تا ۱۲ ماهه و ۱۳ تا ۲۴ ماهه بر ارتقای هوش کودکان و سرمایه عاطفی مادران

REFERENCES

1. Smythe T, Zuurmond M, Tann CJ, Gladstone M, Kuper H. Early intervention for children with developmental disabilities in low and middle-income countries—the case for action. *International Health*. 2021;13(3):222-31.
2. Webster EK, Kracht CL, Newton RL Jr, Beyl RA, Staiano AE. Intervention to improve preschool children's fundamental motor skills: Protocol for a parent-focused, mobile app-based comparative effectiveness trial. *JMIR Research Protocols*. 2020;9(10):e19943.
3. Tomé G, Almeida A, Ramiro L, Gaspar T, Gaspar de Matos M. Intervention in schools promoting mental health and well-being: a systematic review. *Global Journal of Community Psychology Practice*. 2021;12(1):1-23.
4. Evans DK, Jakiela P, Knauer HA. The impact of early childhood interventions on mothers. *Science*. 2021;372(6544):794-6.
5. Takeuchi H, Taki Y, Asano K, Asano M, Sassa Y, Yokota S, et al. Childhood socioeconomic status is associated with psychometric intelligence and microstructural brain development. *Communications Biology*. 2021;4(1):1-9.
6. Takeuchi H, Taki Y, Asano K, Asano M, Sassa Y, Yokota S, et al. Impact of frequency of internet use on development of

- brain structures and verbal intelligence: Longitudinal analyses. *Human Brain Mapping*. 2018;39(11):4471-9.
7. Deary IJ, Cox SR, Hill WD. Genetic variation, brain, and intelligence differences. *Molecular Psychiatry*. 2021;2:1-19.
 8. Lett TA, Vogel BO, Ripke S, Wackerhagen C, Erk S, Awasthi S, et al. Cortical surfaces mediate the relationship between polygenic scores for intelligence and general intelligence. *Cerebral Cortex*. 2020;30(4):2708-19.
 9. Bourke-Taylor HM, Lee DC, Tirlea L, Joyce K, Morgan P, Haines TP. Interventions to improve the mental health of mothers of children with a disability: systematic review, meta-analysis and description of interventions. *Journal of Autism and Developmental Disorders*. 2021;3:1-7.
 10. Ruane A, Carr A. Systematic review and meta-analysis of stepping stones triple P for parents of children with disabilities. *Family Process*. 2019;58(1):232-46.
 11. Golparvar M. *Affective capital: essentials and functions*. Tehran: Jungle Publication; 2016. (Persian)
 12. Ghasemi Kalehmasihi J, Golparvar M, Khayatan F, Shahriari M. The effectiveness of affective capital enhancement training on affective-collective investment among nurses. *Journal of Nursing Education*. 2019;8(2):41-50. (Persian)
 13. Ghasemi Kaleh Masih J, Golparvar M, Khayatan F. Comparing the effectiveness of using signature strengths in new way and affective capital promotion training on burnout of nurses. *Iranian Journal of Rehabilitation Research in Nursing*. 2020;6(3):74-83. (Persian)
 14. Sinai D, Tikotzky L. Infant sleep, parental sleep and parenting stress in families of mothers on maternity leave and in families of working mothers. *Infant Behavior and Development*. 2012;35(2):179-86.
 15. Postorino V, Gillespie S, Lecavalier L, Smith T, Johnson C, Swiezy N, et al. Clinical correlates of parenting stress in children with autism spectrum disorder and serious behavioral problems. *Journal of Child and Family Studies*. 2019;28:2069-77.
 16. Hattangadi N, Cost KT, Birken CS, Borkhoff CM, Maguire JL, Szatmari P, et al. Parenting stress during infancy is a risk factor for mental health problems in 3-year-old children. *BMC Public Health*. 2020;20(1):1-7.
 17. Hintsanen M, Gluschkoff K, Dobewall H, Cloninger CR, Keltner D, Saarienen A, et al. Parent-child-relationship quality predicts offspring dispositional compassion in adulthood: a prospective follow-up study over three decades. *Developmental Psychology*. 2019;55(1):216-25.
 18. Edmond KM, Strobel NA, Adams C, McAullay D. Effect of early childhood development interventions implemented by primary care providers commencing in the neonatal period to improve cognitive outcomes in children aged 0–23 months: protocol for a systematic review and meta-analysis. *Systematic Reviews*. 2019;8(1):1-8.
 19. O'Neill J, Tabish H, Welch V, Petticrew M, Pottie K, Clarke M, et al. Applying an equity lens to interventions: using PROGRESS ensures consideration of socially stratifying factors to illuminate inequities in health. *Journal of Clinical Epidemiology*. 2014;67(1):56-64.
 20. Leijten P, Shaw DS, Gardner F, Wilson MN, Matthys W, Dishion TJ. The family check-up and service use in high-risk families of young children: a prevention strategy with a bridge to community-based treatment. *Preventive Science*. 2015;16(3):397-406.
 21. Melhuish E, Ereky-Stevens K, Petrogiannis K, Ariescu A, Penderi E, Rentzou K, et al. A review of the research on the effects of early childhood education and care (ECEC) on child development, curriculum and quality analysis and impact review of European Early Childhood Education and Care. Aarhus, Denmark: European Early Childhood Education and Care; 2015.
 22. Girabent-Farrés M, Jimenez-Gonzalez A, Romero-Galisteo RP, Amor-Barbosa M, Bagur-Calafat C. Effects of early intervention on parenting stress after preterm birth: a meta-analysis. *Child: Care, Health, and Development*. 2021; 47(3):400-10.
 23. Bahrami, A. The effect of happiness on various aspects of parenting and positive parenting. *Psychology and Behavioral Science*. 2017;4(1):1-6.
 24. Abdoli F. *Compilation of an early childhood care and education package and determining its effectiveness on wellbeing and Intelligence of children from 0 to 5 years old along with parenting stress and affective capital of their mothers*. [Doctoral Dissertation]. Isfahan: Islamic Azad University; 2021. (Persian)
 25. Bledsoe P. *The predictive value of the cattell infant intelligence scale*. [Doctoral Dissertations]. Chicago, Illinois: Loyola University Chicago; 1957.
 26. Atkinson L. Reliability and validity of ratio developmental quotients from the Cattell Infant Intelligence Scale. *American Journal of Mental Retardation*. 1990;95(2):215-9.
 27. Young JL. Test or toy? Materiality and the measurement of infant intelligence. *History of Psychology*. 2015;18(2):103.